

هالیوود تقدیس خود خدا انگاری انسان غربی

ویژگی‌های استکباری سینمای غرب

مقدمه

یکی از چالش‌های بزرگ کنونی جهان به‌ویژه در کشورهای اسلامی، شیوه رویارویی با استکبار است. آن‌چه رویارویی با استکبار جهانی را این‌گونه دشوار کرده، پیچیدگی در عملکرد، تلون در ظهور و بروز، گستردگی ابعاد نفوذ و... استکبار معاصر است. به باور برخی، حضور و تاثیرگذاری استکبار تنها در این حوزه‌هاست:

۱. استکبار عبادی (استکبار در برابر عبادت خداوند)

۲. استکبار سیاسی (حکمرانی به ناحق بر مردم)

۳. استکبار اقتصادی (برتری جویی اقتصادی در سایه داشتن امکانات مالی)

۴. استکبار علمی (خودبرتربینی در سایه داشتن دانش)^۱

اما مطالعه وضعیت حال حاضر و شیوه رفتار سیاست‌گذاران جریان سلطه و مقایسه آن با گذشته‌های دور این جریان، نشان می‌دهد استکبار در قرن کنونی، تاکتیک‌ها و روش‌های اعمال و گسترش سلطه خود را تغییر داده و در میدانی مهم‌تر گام نهاده است. و آن میدان:

۵. هنر و رسانه

است؛ حوزه‌ای که مقام معظم رهبری بارها درباره آن هشدار داده و از آن با عناوینی چون تهاجم، شبیخون و نفوذ فرهنگی یاد کرده‌اند. در این نوشتار تلاش می‌کنیم گوشه‌هایی از این استکبار فرهنگی، هنری و رسانه‌ای را از زاویه‌ای متفاوت به نقد و نظر بنشینیم.

روانشناسی روح استکباری

منشأ اصلی این خوی ناپسند، عقده حقارتی است که شخص متکبر در باطن خویش احساس می‌کند و با ابراز بزرگی و دست‌زدن به کارهایی ناشایست می‌کوشد تا حقارت درونی خویش را از مردم پنهان کرده، شکست و واماندگی خود را با استکبارورزی جبران کند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

"ما من أحد یتیه الا من ذلّه یجدها فی نفسه"^۲؛ "هیچ کس لاف بزرگی نمی‌زند مگر به خاطر ذلتی که در خود احساس می‌کند."^۳ جلوه این خوی استکباری را در سینمای آمریکا به‌ویژه هالیوود می‌توان به روشنی مشاهده کرد. استکبار زرینی که یهودیان با تزریق این تفکر در لایه‌های مختلف سینمای هالیوود تلاش کرده‌اند به این ویژگی رنگ و لعابی

منطقی و طبیعی بدهند و در عین حال، زشتی این هژمونی فروخته را زیبا جلوه دهند. تیغ تیز این احساس حقارت آمریکایی‌ها حتی اسلاف و اجداد اروپایی‌شان را نواخته است و در آثار سینمایی خود به نوعی در پی تحقیر اروپائیان بوده‌اند؛ هالیوود همیشه اسیر عقده حقارت خود در زمینه فرهنگی و تاریخی نسبت به اروپا بوده است.^۴ بنابراین دور از ذهن نخواهد بود که هالیوود با وجود آن همه اشتراکات فرهنگی و تاریخی با مهد تمدن غرب اروپا، تصویری بهتر از آن‌چه از اروپائیان ارائه می‌کند، از اسلام، تشیع و انقلاب اسلامی ایران ارائه کند؛ اسلام انقلابی و پیشرو که در برابر سیاست‌های استکبار جهانی با همه فشارها و تهدیدها نه‌تنها سر خم نکرده، که حتی ذره‌ای خم به ابرو نیاورده است.

ویژگی‌های استکبار غرب در سینما با تاکید بر هالیوود

۱. زرپرستی و سرمایه‌سالاری

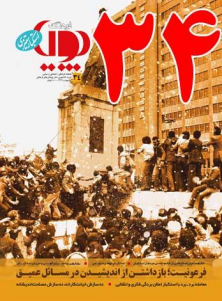
یکی از نشانه‌های استکبار، تکاثر و تکیه بر ثروت و مکنث و طغیان در برابر خدا با اتکا به انباشت ثروت است که نمود بارز آن طلاست. قرآن کریم، یکی از انگیزه‌های اصلی طغیان و استکبار و کفر را همین فزونی ثروت و مکنث و ویژگی استکباری قارون را نماد این جریان ذکر می‌کند:

{حضرت} موسی با سه قدرت طغیانگر روبه‌رو بود... قارون قافله‌دار ثروت و سرمایه بود... قارون در ابتدا در صف مؤمنان بود ولی زیادت توجه به ثروت و غرور، او را به سوی کفر کشید.^۵

یکی از شاخه‌های یهودی درباره نگاه راهبردی قوم یهود به طلا و استفاده ابزاری از آن برای اهداف مستکبرانه خود می‌گوید:

طلا، نخستین قدرت ما برای سیطره بر جهان است.^۶

خوی مستکبرانه زرسالاری زمانی جای پای خود را در غرب باز کرد که یهودیانی چون پولس و پس از او مارتین لوتر این صفت یهود را در جهان غرب نهادینه کردند. در حال حاضر، یهودیان با تسلط کامل بر رسانه‌های آمریکا و در رأس آن سینما، زرپرستی، تقدیس عنصر طلا و ترویج فرهنگ زراندوزی را در سرلوحه اهداف بلندمدت خود قرار داده‌اند؛ از لوگوی طلائی کمپانی‌های فیلم‌سازی، تندیس طلائی اسکار، و نقش اساسی پول و سرمایه در فرایند تولید فیلم گرفته تا فیلم‌هایی که آرمان قهرمان فیلم، دستیابی به گنجینه‌ها^۷ و دفينه‌های طلائی باستانی است یا سرقت پول و طلائی بانک‌ها.



۲. ترویج مکاتب شرک‌آمیز و الحادی

عناد و استکبار غرب در برابر آیین توحیدی حضرت ابراهیم(ع) آن‌گاه روشن‌تر می‌شود که با وجود سابقه طولانی گرویدن جهان غرب به آیین مسیحیت (تثلیث، نوعی شرک است اما پایه مسیحیت، توحیدی است) دست‌اندرکاران رسانه‌های جهان غرب و در رأس آن سینما و شبکه‌های تلویزیونی آمریکایی در قالب گونه‌های مختلف نمایشی، به ترویج پاک‌انیمس^۱ می‌پردازند. شاید اگر مخاطبان این رسانه‌ها فقط به حوزه جغرافیایی اروپا و آمریکا و کشورهای انگلیسی‌زبان که فرهنگ و باورهای مشترک با کشورهای غربی دارند، محدود بودند، باز می‌توانستیم به این ادعا به دیده تردید بنگریم اما اصرار رسانه‌های غربی برای ترویج پاک‌انیمس در سراسر جهان (افزون بر اقدامات فرهنگی دیگر همچون باستان‌گرایی) نشان می‌دهد مجریان و مالکان این رسانه‌ها اهدافی استکباری در سر می‌پرورانند. ساخته شدن آثاری سینمایی و تلویزیونی با محتوا و داستان‌هایی که در دوران باستان می‌گذرد حتی با وجود نگاه بعضاً به ظاهر انتقادی، دلیلی جز ترویج و احیای مفاهیم شرک‌آمیز و ضد توحیدی ندارد.

جایگاه تفکر الحادی داروینیسیم^۲ در سینمای غرب

شاید بتوان با نگاهی اجمالی به لیست بلند و بالای فیلم‌های تولیدشده در هالیوود که تفکر منحط داروینیسیم را ترویج می‌کند، به اهمیت نهادینه‌کردن این اندیشه و چرایی در دستور کار قراردادن آن پی‌برد: صنعت هالیوود و سلطه سینما نیز در ترویج این نظریه (داروینیسیم) به هیچ‌وجه کم نگذاشته و فیلم‌های بسیاری را روانه پرده سینما کرده است. از ادیسه فضایی ۲۰۰۱ استنلی کوبریک (که خود دچار مشکلات اعتقادی بود) گرفته تا سری موهن سیاره میمون‌ها که در سال ۲۰۱۴ نیز نسخه دیگری از آن به نام طلوع سیاره میمون‌ها اکران شد که با جلوه‌های ویژه فوق‌العاده و بودجه سنگین (۱۷۰ میلیون دلار) توانست مخاطبان زیادی را جذب سالن‌های سینما کند و سود سرشاری را به جیب مسئولان یهودی استودیوی Fox بریزد... سران یهودی هالیوود برآنند تا با مطرح کردن و پر و بال دادن به چنین نظریه توهین‌آمیزی مفاهیم انسانی را از ذهن بشریت پاک کنند و به گونه‌های القا کنند که شما، انسان‌ها، میمونی بیش نبوده‌اید، پس زیاده‌خواه نباشید و به ما اجازه دهید که افسار بر گردن شما بزنیم.^۳

اهداف استکبار از ترویج داروینیسیم

هالیوود به عنوان تریبون استعمار نوین در راستای تداوم منافع استعمار، به دنبال القای این اندیشه است که در جهان آفرینش، برخی گونه‌های انسانی به نهایت تکامل و هوش و استعداد دست یافته‌اند (نژاد سفید غربی) و برخی خیر (رنگین‌پوستان و سیاهان) بنابراین، برخی نژادها پست و عقب‌مانده‌اند و نیازمند نژاد برتر! گاهی این نگاه نژادپرستانه و مستکبرانانه بدون هیچ پرده‌پوشی و سانسوری لباس هنر می‌پوشد و در همین لباس، نژادهای دیگر تحقیر می‌شوند؛ فیلم‌هایی مانند لوسی از این دسته تولیدات هالیوود است که نژاد برتر را تا مرز خدایی کردن بالا می‌برد.

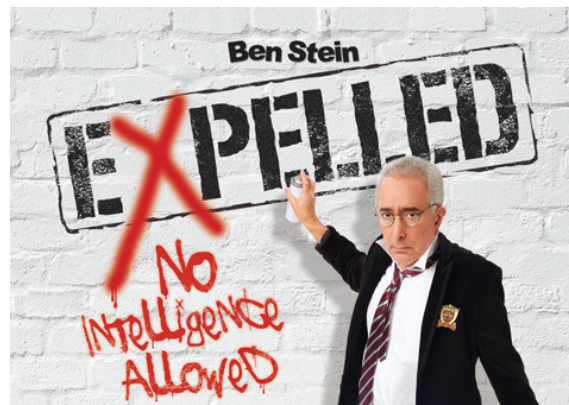


فیلم سینمایی لوسی (Lucy)

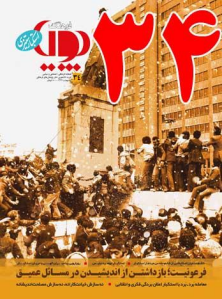
از میان آثار بی‌شمار تولیدشده هالیوودی که مروج داروینیسیم هستند، فیلم سینمایی لوسی بهترین مورد است.^۴ در سکانس آغازین فیلم طبق فرضیه داروین مراحل تکامل خلقت از موجودات تک‌سلولی سپس میمون نشان داده می‌شود. پس از چند سکانس، مورگان فریمن (بازیگر سیاه‌پوست فیلم) معرفی می‌شود که در جایگاه استاد دانشگاه، در حال تدریس نظریه داروینیسیم است. در تمامی فیلم فریمن با وجودی که دانشمند است، تحت تاثیر هوش و نبوغ لوسی قرار دارد و مشکلات علمی او به دست لوسی حل می‌شود. در پایان فیلم نیز لوسی را می‌بینیم که میمون ابتدای فیلم در برابرش زانو زده و نماد خلقت بر اساس کتاب مقدس را به لوسی نشان می‌دهد و لوسی به مقام خدایی می‌رسد.



نقاشی آفرینش، اثر میکلائو



"اخراج شدگان" مستندی است افشاگرانه از فرایند سرکوب و اخراج اساتید دانشگاه‌های آمریکا که با نظریه داروین مخالفت کرده‌اند!



باستانی هر چند شکل علمی، تخیلی و سرگرم کننده به خود گرفته‌اند اما تامل در رویکرد واقعی این گونه فیلم‌ها به موضوع آثار باستانی و بررسی عقاید و پیشینه کمپانی‌ها و گروه‌ها و اشخاص دخیل در ساخت چنین آثاری نکات بسیاری را روشن می‌کند؛ این که چرا سینما و رسانه‌های غربی و حتی مراکز علمی و دانشگاهی غرب این همه به برجسته کردن فرهنگ‌های باستانی علاقه دارند در حالی که حتی در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان به انحرافی بودن این تمدن‌ها و تقابل آن‌ها با پیامبران الاهی تاکید شده است.

گاهی این توجه از مرزهای یافته‌های علمی و حقیقت هم پا را فراتر نهاده به تقدیسی دیوانه‌وار روی می‌آورند به گونه‌ای که بر پایه همین تخیلات جهت‌دار و بیمارگونه، "اریک فون دنیکن" فرضیه فضاوردان باستانی را طرح کرد!^{۱۶}

داعیه‌داران تجدد و غرب‌گرایی و استعمارگران به گونه‌ای چشم‌گیر به آثار باستانی توجه نشان دادند، کشورهای اسلامی را در برنامه همکاری با هیأت‌های بین‌المللی و یونسکو شرکت داده، مبالغ هنگفتی صرف برپایی موزه‌ها و احیای آثار باستانی دوره جاهلیت در لباس تازه کردند.

امروزه این توجه جدی به فولکور و احیای هنرها و عقاید جاهلی در زندگی کاملاً غیرطبیعی می‌نماید. همچنین اهتمام سنگین به آثار باستانی - با این افراط شگرف - و صرف مبالغ هنگفت برای گردآوری و عرضه آن‌ها جنبه طبیعی ندارد و هنگامی که سررشته این رویکردها را دنبال می‌کنیم به ریشه‌های صهیونی-صلیبی مسأله می‌رسیم.

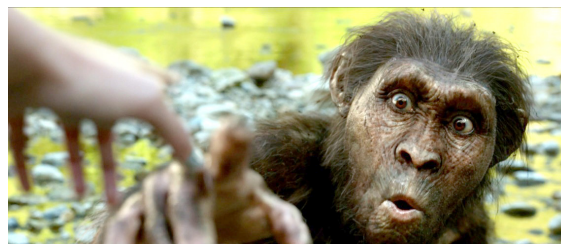
محمد غزال می‌گوید:

این دعوت را فعالیت‌های جست‌وجوگرانه و کاوش‌های باستان‌شناسانه و تبلیغات دامنه‌دار بر سر اکتشاف آثار باستانی، همراهی کرد؛ چنان که دنیا را تبلیغ کشف قبر "نوت آنخ آمون" توسط "لرد کارنفون" در آن هنگام پر کرد و میلیونر معروف "راکفلر" ده‌ها میلیون دلار به طور مجانی برای برپایی موزه آثار فرعونی پرداخت که آموزش‌شده‌ای نیز به منظور آموزش باستان‌شناسی در کنارش ساخته شد و چنان که معروف است "راکفلر" یهودی‌الاصول و از صهیونیست‌هاست و سخاوت او نسبت به پرداخت این مبلغ کلان نشان می‌دهد که در این رویکرد، منافع آشکار صهیونیسم نهفته است.

...شواهد زیادی وجود دارد که ثابت می‌کند (این سران) میل داشتند تمدن‌های جاهلی را با وسایل مختلف در جهان اسلام از نو زنده کنند.^{۱۷}



سری فیلم‌های دزدان کارائیب



نمایی از فیلم لوسی (Lucy)

۳. اومانیسیم

هر نوع نقد و تحلیل سینمای غرب و هر اثر هنری دیگر این تمدن، فارغ از پارادایم‌ها، ایدئولوژی‌ها و مبانی و مفاهیم فرهنگی آن محکوم به شکست و انزوا و در نهایت تیر در تاریکی انداختن است. یکی از این پارادایم‌ها اومانیسیم است:

انسان‌گرایی (اومانیسیم) را پایستی از مهم‌ترین شالوده‌های تفکر جدید غرب و اندیشه مدرنیسم به شمار آورد.^{۱۸}

استکبار غرب و ریشه‌های اومانستی آن

اغراق نخواهد بود اگر بگوییم شالوده تمدن غرب را اومانیسیم تشکیل می‌دهد و همه آسیب‌ها و شرارت‌های تمدن غرب از این اندیشه سرچشمه می‌گیرد.

تمدن غرب کنونی براساس جهان‌بینی اومانستی شکل گرفته است. پس از رنسانس، اومانیسیم بر جوامع اروپایی و آمریکایی حاکم شد و پایه‌های تمدن نوین غرب را ساخت.^{۱۹}

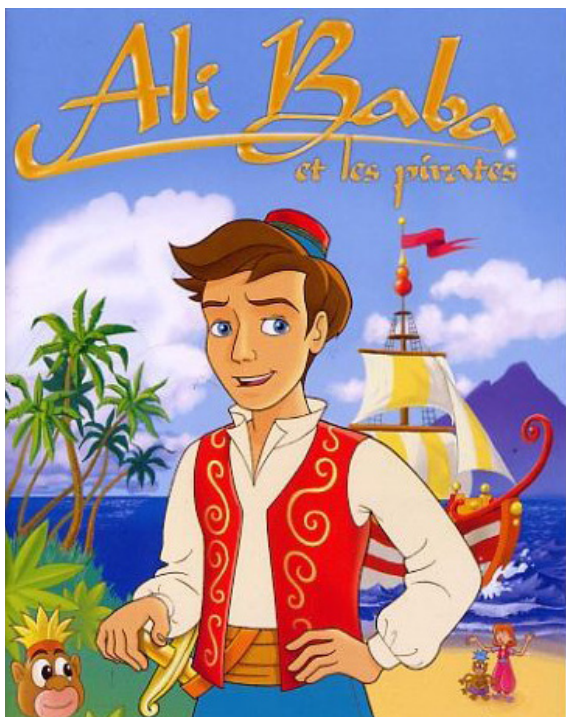
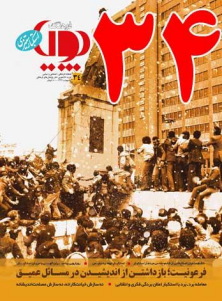
در جهان‌بینی اومانستی، همه چیز بر اساس اراده معطوف به قدرت، تکوین می‌یابد. در چنین نگرشی، قدرت بیش‌تر به افزایش حق بیش‌تر برای زندگی و بهره‌گیری از دیگران ارتباط دارد. به همین دلیل، رهبران غرب هر آن چه را که برای دیگران، جرم و جنایت می‌دانند، برای خویشتن، مباح فرض می‌کنند. بنابراین، ریشه خودبزرگ‌بینی و زیربنای برتری‌طلبی در تمدن غرب، به نوع نگرش این تمدن به انسان و هستی بازمی‌گردد. از این رو، پس از رنسانس، هر قدرتی که در غرب، فراگیر شده، ادعای برتری‌طلبی کرده است؛ مانند **کمونیسیم**، فاشیسم و نازیسم. امروزه همان خوی بزرگ‌بینی و برتری‌طلبی در لیبرال‌دمکراسی و در اشکال تئوری‌های "جهان واحد"، "پایان تاریخ"، "دهکده جهانی" "برخورد تمدن‌ها"، "نظم نوین جهانی" و "موج سوم"، از سوی رهبران فکری و سیاسی غرب، مانند والتر اشتاین، فوکویاما، مک لوهان، هانتینگتون، جورج بوش و تافلر مطرح می‌شود.^{۲۰} با نگاهی به تولیدات هالیوود به خوبی می‌توان حاکمیت جهان‌بینی اومانستی و خودبزرگ‌بینی و سیطره و گسترش تفکرات این اندیشمندان خودبزرگ‌بین را مشاهده کرد.

۴. احیای ادیان شرک‌آلود گذشته مانند یونان باستان و تقدیس

الاهه‌ها

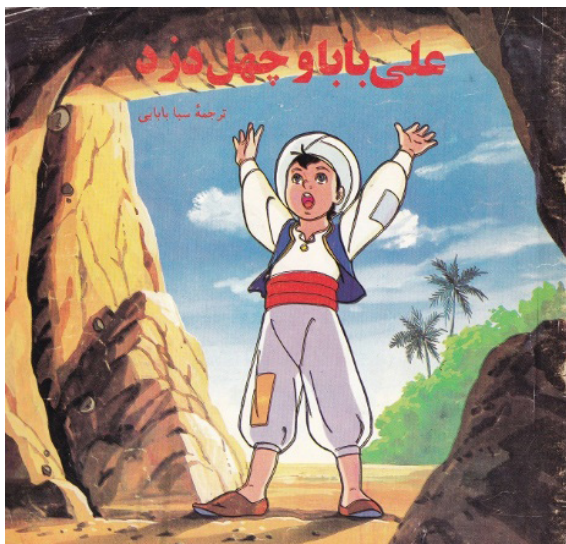
سرمایه‌گذاری رسانه‌های غرب برای احیای آثار باستانی

ساخت فیلم‌های متعدد سینمایی داستانی و مستند درباره تمدن‌های



قهرمانان دزد!

یکی از آثار معروف داستانی غرب، رمان رابینسون کروزوئه است: رابینسون کروزوئه... کتاب در سال ۱۷۱۹ منتشر شد و پیش از پایان سال به چاپ چهارم رسید. در تاریخ ادبیات غرب تا پایان قرن نوزدهم هیچ کتابی از لحاظ تیراژ فروش، ویرایش، چاپ، ترجمه و... به پای این کتاب نمی‌رسد. کتاب به زبان‌های فراوانی ترجمه شد و نویسندگانی بسیاری، مستقیم و غیرمستقیم، از این رمان تقلید کرده و صدها فیلم و سریال از روی آن یا با الهام از آن ساخته‌اند.^{۱۹}



یهودیان با تسلط کامل بر رسانه‌های آمریکا و در راس آن سینما، زرپرستی، تقدیس عنصر طلا و ترویج فرهنگ زراندوزی را در سرلوحه اهداف بلندمدت خود قرار داده‌اند؛ از لوگوی طلایی کمپانی‌های فیلم‌سازی، تندیس طلایی اسکار، و نقش اساسی پول و سرمایه در فرایند تولید فیلم گرفته تا فیلم‌هایی که آرمان قهرمان فیلم، دستیابی به گنجینه‌ها و دفینه‌های طلای باستانی است یا سرقت پول و طلای بانکها

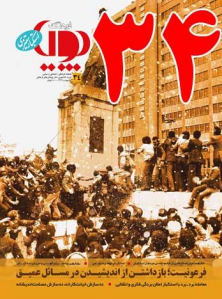
۵. تجلیل از دزدی و غارتگری (استعمارگر در همه ابعاد آن)

گذشته سیاه استعمار در غارت ملت‌ها واقعیتی روشن است که خود نیز در پی انکار آن نیستند. اما خوی استکباری غربی‌ها نه تنها آنان را وادار به پوزش و عذرخواهی از نوادگان همان مردم نمی‌کند بلکه به این گذشته ننگین خود افتخار می‌کنند. نمونه بارز این نوع فیلم‌ها را می‌توان در سری فیلم‌هایی با موضوع گنج گم‌شده از جمله سری فیلم‌های جزیره گنج و دزدان دریایی جست‌وجو کرد که از دزدان دریایی، قهرمانانی شجاع و از اموال غارت‌شده ملت‌ها به عنوان گنج گم‌شده یاد می‌کنند؛ در پایان هم این گنج‌ها نصیب کشور و مردم کشور استعمارگر می‌شود!

دزد خوب، دزد بد!

کشورهایی که قرن‌ها به غارت سرمایه‌های مادی و معنوی دیگر ملت‌ها مشغول بوده‌اند، برای فرار از گذشته ننگین خود، نیازمند نشان دادن چهره‌ای زیبا از دزدان سابق بین‌المللی هستند. آنان هر آن چه دارند، از غارت سرمایه‌های مادی و علمی ملت‌های دیگر بوده است. کدام دزد حاضر است به سرقتی با این ابعاد و دامنه اعتراف کند؟ آن هم دزدی که غارت سرمایه‌های ملت‌ها را مشروع می‌داند! از این رو داستان‌ها و افسانه‌هایی ساختند که به دزدی خود وجهه‌ای مشروع ببخشند. رابین هود یکی از همین قهرمانان نامدار دزد و غارتگر است! هالیوود تاکنون از همین شخصیت راهزن، قهرمانی افسانه‌ای ساخته و ده‌ها فیلم سینمایی و انیمیشن را به روی پرده سینماها و صفحه تلویزیون‌ها برده است. آن‌ها به همین هم بسنده نکردند و این رفتار رذیلتانه را به پاکان و معصومانی چون حضرت علی (علیه‌السلام) در مجموعه فیلم‌های علی بابا و چهل دزد بغداد نسبت داده‌اند؛ در حالی که علی بابا لقبی بود که یتیم‌ها به دلیل رفتارها و رسیدگی‌های حضرت علی (ع) به ایشان داده بودند. توجه داشته باشید که بابا اسم نیست و یک لقب است. اما در اثر مرور زمان این نام و لقب به صورت نامی واحد در میان مردم جا افتاده است! در این سریال علی بابا شاهزاده‌ای ساکن محله‌های فقیرنشین معرفی می‌شود. او برای کمک به فقرا شب‌ها با لباس میدل از ثروتمندان می‌دزدد و اموال دزدی را میان فقرا تقسیم می‌کند.^{۱۸}

علی بابا جوان عرب عاشق پیشه اهل عراق است که رابین‌هودوار، از ثروتمندان می‌دزدد و به فقرا می‌بخشد!



ادوارد سعید، رایبسون کروژوئه را از نخستین نمونه‌های "ادبیات استعماری" می‌نامد.^{۲۰}

۶. انکار و عناد

مقام معظم رهبری در وصف این ویژگی بارز نظام سلطه و خوی استکباری می‌فرمایند:

مستکبران اگر در سایه مواجهه با معجزات متعدد پیامبران الاهی (علیهم‌السلام) در یابند که حق با آنان است، باز هم به دلیل روحیه استکباری، دست از لجاجت بر نمی‌دارند و حقیقت را انکار می‌کنند. حضرت موسی (علیه‌السلام) پس از نشان دادن معجزات متعدد به فرعون و اطرافیان او، سبب شد که آنان باور قلبی به پیامبری او پیدا کنند؛ اما آنان به دلیل روحیه ستمگری و تکبر، انکار کردند و آن را جادو نامیدند: "فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ" و هنگامی که آیات روشنگر ما به سویشان آمد گفتند: این سحر است. "وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ" و با آن که دل‌هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند. پس ببین فرجام فسادگران چگونه بود.

انکار حقیقت برای استثمار بیشتر

مشروعیت فرعون‌ها برای تداوم سلطه مستکبران‌شان مقبولیت مردمی است. فرعون زمان حضرت موسی (ع) هنگامی که با منطق اعجاز، نقاب پوشالی حق‌نمایی‌اش فرو می‌ریزد و پایگاه مقبولیت مردمی‌اش سقوط می‌کند، می‌کوشد با مغالطه‌های فریبنده خشم و تمرد طرفدارانش را کنترل کند. آن روز ابزار سحر و جادو و مغالطه بود و امروز سحر و جادوی رسانه:

سینمای رؤیافرین، واقعیت‌های موجود را انکار می‌کند. با انکار واقعیت موجود، واقعیت بالانری را جایگزین واقعیت‌های تلخ موجود نمی‌سازد، بلکه رؤیایها را در دکورهای واقعی، با حذف دورنمای زمینه‌های عینی اجتماعی می‌شناساند. در نتیجه، عقل را از قضاوت درباره واقعیت‌های عینی معاف می‌دارد. بنابراین نیروی پرخاش تماشاگر را در از میان برداشتن نابسامانی‌های موجود کاهش می‌دهد. هالیوود، که مرکز سینمای رؤیافرین آمریکایی بود، به مدت نیم‌قرن تسلطی استثمارگونه بر اذهان آدمی داشت. شیوه سینمایی هالیوود، واقعی نشان دادن رخدادها را غیرواقعی بود. سینما، به‌عنوان رسانه‌ای در دست طبقه فرادست، ولی در ارتباط با طبقه فرودست، فرهنگ طبقه حاکم را برای استثمار طبقه محکوم، به طبقات پایین تحمیل می‌کرده است.^{۲۱}

۷. قلب حقیقت

مستکبر به دلیل غلبه غرور و نخوت، فقط خود را می‌بیند و دیدن دیگری را در آینه هستی بر نمی‌تابد؛ همانند زن جادوگر و عف‌ریته فیلم زیبای خفته که دیدن فردی زیاتر از خود را تاب نمی‌آورد و درصد نابودی‌اش برمی‌آید؛ او آینه‌ای جادویی دارد که در آن فقط خود را می‌بیند. سینمای غرب نیز همان آینه جادویی است که قرار است فقط سینمای غرب را نشان دهد و آن هم زیاتر از آن چه هست. از این رو زشتی خود را در این آینه جادو زیبا و زیبایی دیگرملت‌ها و تمدن‌ها را زشت نشان خواهد داد.

پس نظام استکباری غرب نیازمند چنین آینه جادویی است. نظام سلطه رسانه‌ای، واقعیت را نه آن‌گونه که هست بل آن‌گونه که مطلوب طبع خویش است قلب می‌کند و تصویری که از جامعه پیرامونی ارائه می‌دهد، نه آن تصویری است که رخ می‌دهد، بلکه تصویری است که ساخته دست خود باشد.^{۲۲}

سینما به جای آن که تصویر جهان باشد، سرانجام، جهانی به شکل خود آفریده است... از پایان جنگ جهانی دوم، سینمای آمریکایی توانسته است همه زمین را تغییر دهد و به شکل خویش در آورد.^{۲۳}

کریستوفر هارپر با اذعان به نقش کلیدی سینما در تصویرسازی از هژمونی سلطه‌طلبانه آمریکایی، سینما را از همان ابتدا ابزاری برای توجیه خوی جنگ‌طلبانه آمریکا می‌داند:

در طول جنگ جهانی دوم، فیلم‌ها روح آمریکایی را در خارج از آمریکا ترویج می‌کردند... بسیاری از کارگردانان و تهیه‌کنندگان برجسته برای نشان دادن جنگ تلاش می‌کردند. کاپرا فیلم چرا می‌جنگیم... ساخت؛ چراکه تمام سربازان آمریکایی نیاز به دیده‌شدن داشتند. عموم مردم... فیلم‌های بسیاری را تماشا کردند... {که} هر کدام... وقایع جنگ را شرح می‌دادند و همچنین دلایل منطقی شرکت آمریکا را در جنگ... هالیوود به عنوان پیشانی تبلیغاتی نظام جنگ‌طلب و استکباری آمریکا، وسواس و دقت در باورپذیری و اقناع مردم برای حمایت از جنگ تجاوزکارانه آمریکا را تا بدان جا پیش برد که در بررسی پس از پایان جنگ مشخص شد فیلم‌های جنگی که توسط کارگردانان هالیوود ساخته شده فریم به فریم با فیلم‌های مستندی که از نبردهای واقعی گرفته شده برابری می‌کند.^{۲۴}

۸. سیادت‌طلبی (هژمونی)

خوی برتری‌جویی متکبران انسان غربی تغییر نکرده است. این همان استعمارگر پیر است که لباس جدید و امروزی هنری و رسانه‌ای به تن کرده است تا ملت‌ها پی نبرند که:

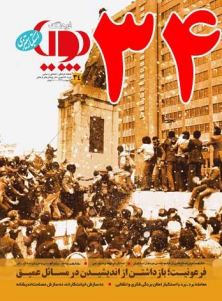
سیادت {هژمونی}... ایدئولوژی مسلط، که در جهان غرب قرار است شالوده‌های سفیدپوست، طبقه متوسط، و مردانه داشته باشد.^{۲۵}

نژادپرستی (اعتقاد به برتری نژاد انگلوساکسون) اعتقاد به قوم برتر (انگولزایان) یکی از جلوه‌های بارز سیادت‌طلبی غرب را بایستی در برتری‌جویی نژادی جست‌وجو کرد. البته انسان غربی دامنه این برتری‌جویی بیمارگونه را تا کائنات نیز گسترش می‌دهد و نژاد خود را بر جایگاه خدایی هم می‌نشانند و فرعونیت خویش را به رخ می‌کشند:

عقده پرومته: درون مایه وسوسه‌آمیز و پرمخاطره سینمای آمریکا. این درون مایه وجه مشخصه انسان‌هایی است که می‌خواهند همتای پروردگاران باشند؛ یعنی صاحب برترین قدرتهای جهان.^{۲۸}

این عقده خودخداانگاری و مافوق بشر انگاشتن بشر غربی در ژانرها و قهرمانان یک‌تاز آمریکایی نمود بیش‌تری می‌یابد:

گنگسترها... جست‌وجوگران سیری‌ناپذیر... دانشمندان نیچه‌مسلک... عارف‌های روانی... موجودات دارای قدرت‌های ماورای طبیعی... انسان‌هایی که قدرت خارق‌العاده دارند... انسان‌هایی که دارای قدرت اخلاقی هستند... یا حس مهارنشده‌ی دارند... هالیوود همیشه این عقده برتری‌بودن آمریکایی را در آن واحد، تحسین و محکوم کرده...^{۲۹}



البته این محکومیت نمایشی آن اندازه نیست که گه‌گاه دم خروس نژادپرستی آمریکایی از پرده سینما بیرون نزند و حتی خدایان باستان را از نژاد سفیدپوست غربی نشان دهد و واکنش تند مخاطبان را برانگیزاند: انتخاب بازیگران سفیدپوست برای فیلمی اساطیری درباره مصر باستان انتقادهای بسیاری را متوجه کارگردان فیلم "خدایان مصر" و شرکت فیلم‌سازی لاینزگیت کرده است...

عذرخواهی استودیوی فیلم‌سازی لاینزگیت و کارگردان "خدایان مصر" در نقطه مقابل برخورد ردی اسکات با انتقادهایی مشابه درباره بازیگران فیلم "خروج، پادشاهان و خدایان" قرار می‌گیرد. اسکات از انتخاب دو بازیگر سفیدپوست (کریستین بیل و جوئل ادگرتون) برای نقش‌های اصلی فیلم دفاع کرده و انتقادهای وارد شده به فیلم را نپذیرفته بود. نمایش فیلم "خروج، پادشاهان و خدایان" به دلیل اشتباه‌های فراوان تاریخی در مصر ممنوع شده بود.^{۳۰}

نقش رسانه در ترویج هژمونی

سینما به دلیل شفافیتی که درباره منافع طبقاتی گروه مسلط دارد، آن‌ها را به عنوان {پدیده‌های} "طبیعی" و در نتیجه غیر قابل پرسش، و خواستنی، نشان می‌دهد.^{۳۱}

با مروری بر تاریخ غرب چه در دوران باستان، چه در قرون وسطی و چه در عصر رنسانس و حتی در قرن کنونی خواهیم فهمید غرب به دنبال حقنه کردن همه آن‌چه غربی نامیده می‌شود بر ملل شرقی و یا به عبارت رایج جهان سومی است. تحقق این بردگی و بندگی زمانی با زور و اسلحه و تجاوز امکان‌پذیر بود اما در حال حاضر غرب به روش‌های کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر دست یافته است تا بتواند دیگر ملت‌ها را به تسلیم و بردگی و بندگی در همه ابعاد انسانی آن راضی کند و انسان ناهمگون و نامتجانس با سلطه جهانی هژمونی غربی با میل و اراده خود، قوانین دنیای جدید و حاکمان جدید و آیین و فرهنگ جدید را بپذیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. استکبار شیطان از چه نوعی بود؟ فرآوری: زهرا اجلال، پنج شنبه ۱۳۹۲/۲/۲۶
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=245614>
۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۱۷.
۳. فرهنگ صفات، عباس اسماعیلی یزدی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶، ص ۵۱۵.
۴. کابوس آمریکایی، میشل سیوتا، ترجمه نادر تکمیل همایون، ج دوم، ص ۸۹.
۵. تفسیر یک جلدی مبین، ابوالفضل بهرام‌پور، چاپ هفتم، سال ۱۳۸۹، انتشارات آوای قرآن، ص ۳۹۴.
۶. صهیونیسم و رسانه، مجید صفاتاج، انتشارات سفیر اردهال، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۸.
۷. از آن جمله می‌توان مجموعه فیلم‌هایی با عنوان "جزیره گنج" را نام برد که نسخه‌های متعددی از آن ساخته شده است. همچنین اکثریت فیلم‌های سینمایی با موضوع آن دزدان دریایی است و همچنین در فیلم‌هایی که به آثار باستانی می‌پردازند، هدف اصلی قهرمانان فیلم دست‌یابی به طلاها و گنجینه‌های گمشده است.
۸. Paganism ریشه این اصطلاح (pagan) به معنای کافر، مشرک و بت‌پرستی است. از آغاز قرن چهاردهم میلادی، مسیحیان این اصطلاح را درباره جنبش و حرکت‌های کسانیه به کار بردند که قائل به وجود چند خدا بوده (اند) ... (فرهنگ تفسیری ایسم‌ها، محمدحاجی‌زاده، نشر جامه دران، چاپ اول، سال ۱۳۸۴، ص ۱۰۰.

۱. ۹. مکتب و فرضیه‌های چارلز داروین. ۲. پیرو فرضیه‌های داروین بودن. ... انتخاب طبیعی، تنازع بقا از اصول فرضیه‌های داروین هستند. (فرهنگ تفسیری ایسم‌ها، محمد حاجی‌زاده، ص ۱۴۵)

۱۰. مقاله لوسی، زنی که خدا شده، کد خبر: ۴۴۱۰۷۸، تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲، زمان انتشار: ۱۳۰۶.

<http://www.jamnews.ir/detail/News/441078>

۱۱. فیلم سینمایی علمی تخیلی، محصول ۲۰۱۴ آمریکا، به کارگردانی و نویسندگی لوک بسون. ۱۲. این‌جا مقصود از بهترین بودن، ساختار و تکنیک آن نیست که منتقدان اشکالات قابل توجهی به آن وارد کرده‌اند. مقصود، سال تولید (زمان زیادی از تولید آن نگذشته است)، صراحت و بی‌پردگی آن در پرداختن به این نظریه، هزینه هنگفتی که صرف ساخت چنین اثری شده و پردها بودن آن و ... است.

۱۳. فرهنگ واژه‌ها، عبدالرسول بیات با همکاری جمعی از نویسندگان، انتشارات مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چاپ اول، سال ۱۳۸۱، صص ۳۹ و ۴۰.

۱۴. کتاب استعمار فرانسه، جهانی سازی، ص ۲۴۵.

۱۵. استعمار فرانسه، جهانی سازی و انقلاب اسلامی؛ حسن واعظی، صص ۲۴۴ و ۲۴۵.

۱۶. آرخار زمان و آینده‌گرایی سینمایی، جواد امین خندقی، ج ۱ از مجموعه، انتشارات ولاء منتظر، چاپ اول، سال ۱۳۹۱، ص ۱۷۴.

۱۷. دنیای اسلام و تهاجم فرهنگی غرب، محمد مهدی اصفی،

<http://www.ghadeer.org/Book/904/138796>

۱۸. مقاله: تحلیل انیمه magi، محمود بالایی، ۱۳۹۴/۹/۵، ساعت ۲۱:۳۱.

magi-تحلیل-انیمیشن-Item/213-مطلب-سایت/<http://vgpostmortem.ir/index.php>

19. <http://libbook.ir/10041/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D-B8%C%D9%86%D8%B3%D9%88%D9%86-%DA%A9%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%88-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%D8%A7%D9%86%DB8%C%D9%84-%D8%AF%D9%81%D9%88/>

مقاله: رابینسون کروزوئه نماینده استعمار و دشمن کلیسا، کد خبر: ۴۷۳۱۱، تاریخ انتشار: ۲۰۱۳/۱۰/۱۶

<http://old.jamnews.ir/NSite/FULLStory/News/?ID=Serv&۴۷۳۱۱>

۲۱. سینما و سینماگران (مجموعه مقالات)، ترجمه: گروه مترجمین، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات، چاپ دوم، سال ۱۳۸۶، ص ۱۰۷

۲۲. اختاپوس رسانه‌ای و انکار حقیقت، علی سیلمانی، یکشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۸۹، ۰۷:۰۷، ق.ظ <http://tasrih.ir/post/94>

۲۳. کتاب سینما، یوسف اسحاق پور، ترجمه باقر پرهام، چاپ سوم، نشر فروزان، سال ۱۳۸۹، ص ۵.

۲۴. رسانه‌های نوین، کریستوفر هارپر، دکتر علی اصفرکیا، نشر علم، چاپ اول، سال ۱۳۹۱، ص ۲۴۸.

۲۵. مستند جنگی، علی آقاییابی، انتشارات روایت فتح، چاپ اول، سال ۱۳۸۳، ص ۴۷.

۲۶. ماهیم کلیدی در مطالعات سینمایی، سوزان هیوارد، ترجمه فتح محمدی، چاپ چهارم، نشر هزاره سوم، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۵۲.

۲۷. کتاب مجموعه مقالات همایش استعمار فرانسه، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷، ص ۶۱۷.

۲۸. کابوس آمریکایی (ج ۲)، میشل سیوتا، ترجمه نادر تکمیل همایون، نشر سرچشمه، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۴.

۲۹. همان.

۳۰. خبر: استودیوی فیلم‌سازی لاینزگیت و کارگردان "خدایان مصر" مجبور به عذرخواهی شدند تاریخ انتشار: شنبه ۷ آذر ۱۳۹۴؛ زمان انتشار: ۱۳۳۰.

<http://www.khabaronline.ir/detail/483196/culture/cinema>

۳۱. ماهیم کلیدی در مطالعات سینمایی، سوزان هیوارد، ترجمه فتح محمدی، چاپ چهارم، نشر هزاره سوم، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۵۲.